

اوقاف در تاریخ و آثار آن در اقتصاد نوین اسلامی*

نوشته مراد چیزاچقا**

ترجمه سیدعلی کسانی

۵. اوقاف پول

وقف پول، نوع خاصی از وقف بود و در اصل سرمایه وقف، اصل المال یا سرمایه اوکیه که تمام یا قسمتی از آن را پول نقد تشکیل می دهد، با وقف های غیر منقول رایج تفاوت داشت. ریشه های نخستین اوقاف پول، احتمالاً به قرن هشتم می رسد؛ زمانی که از امام زفر وظیفه چنین وقف هایی پرسیده شد و او پاسخ داد که مجموعه اوقاف باید به صورت مضاربه به پیمان کاران واگذار شود. طرح چنین پرسشی نشان می دهد در آن زمان چنین اوقافی وجود داشته است.

در اروپا هم که مؤسسات وقف اموال غیر منقول وجود داشت، اوقاف پول شناخته شده بود؛ اما سرانجام، وقف در اموال منقول هم امکان پذیر شد. با پیشرفت اقتصاد پولی، «Hauptgeld stiftung» (وقف اصل پول) یا «Kapital stiftung» (وقف سرمایه) پدیدار شد. که هر دو بر وقف پول دلالت داشت، در سال ۱۳۸۸ Hauptgeld stiftung die به چیزی موسوم به Rahmen stiftung تبدیل شده بود که بهترین ترجمه آن می تواند مجموعه بنیاد باشد؛ از این رو در آلمان قرن چهاردهم، تأسیس بنیاد پولی به صورت جزء مکمل بنیاد بزرگ تر امکان پذیر شده بود یا بنیاد پولی ساده، همیشه می توانست با افزوده شدن وقف های کوچک تر، پولی بزرگتر شود.^{۱۹}

در جهان اسلام، از قرن هشتم تا پانزدهم در دانش تاریخ اوقاف پول، شکافی عمیق پدید آمد؛ در نتیجه نمی دانیم که پیدایش دوباره اوقاف پول در امپراتوری عثمانی در قرن پانزدهم، از اروپا تأثیر پذیرفته یا در تداوم تاریخ گذشته اش بوده است.

این وقف ها از اوایل قرن ۱۵ میلادی از سوی دادگاه های عثمانی مورد تأیید قرار گرفته و در پایان قرن ۱۶ در سراسر آناتولی و منطقه بالکان به شکل وقف غالب تبدیل شده بود.^{۲۰} گفته شده است که

*. "Awqaf in history and its implications for modern Islamic Economies"

Islamic Economies Studies, vol. 6, No. 1, November 1998.

نشریه مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۶، شماره ۱، نوامبر ۱۹۹۸م.
** Murat Çizakça استاد اقتصاد دپارتمان اقتصاد دانشگاه بغازچی استانبول در ترکیه.

اوقاف پول فقط در بخش های ترک نشین امپراتوری عثمانی یعنی آناتولی و منطقه بالکان مشروعیت داشت و اعراب متدین، چنین اوقافی در مناطق عرب نشین نداشتند.^{۳۱} با این که ممکن است برای این گفته، ادله ای تاریخی ذکر شود، این نظر قابل قبول نیست؛ زیرا تحقیقات نشان داده که اوقاف پول در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود داشته است.^{۳۲} قانون مصر در سال ۱۹۴۶، وقف اموال منقول را مجاز دانست. افزون بر این، رواج اوقاف پول در آن زمان بیش از انتظار بود. اوقاف پول در منطقه اورال - ولگا مشاهده شده است. در هند و پاکستان در نظر است که اوقاف

پول قانونی شود. در عراق، فتوایی وجود دارد که آن را مجاز می داند. در ایران، آستان قدس رضوی که وقف مشهوری است، اخیراً سهم هایی در مجموعه های گوناگون صنعتی خریده و با این اقدام، اوقاف پول را تأسیس کرده است. در ۱۷ مه ۱۹۸۶ کابینه دولت ایران در ماده ۴۴، یک آیین نامه اوقاف پول را مجاز دانسته است. اوقاف پول در کشورهای مالایی زبان^{۳۳} هم دیده شده و در سنگاپور نیز در حال حاضر ۳۸ درصد کل اوقاف را تشکیل می دهد.^{۳۴} قانونی بودن اوقاف پولی در بسیاری از سرزمین ها از منطقه بالکان تا کشورهای مالایی زبان، از دیدگاه همه مکاتب مهم مقبولیت عام دارد؛ اما این مقبولیت کلی، دست کم از قرن شانزدهم تا بیستم با مناقشه جدی همراه بوده است. احتمالاً دقیق ترین بحث درباره اوقاف پول، از طرف سهروردی عالم هندی انجام شد که در اوج رواج اوقاف خانوادگی در هند به سرزمین های امپراتوری عثمانی سفر کرد. مقاله مهم او درباره مشروعیت اوقاف پول،^{۳۵} درست دو سال پیش از آن که بحث اوقاف خانوادگی به پیروزی مسلمانان در برابر انگلیس در هند بینجامد، منتهی شد؛ از این رو بیست سال اول قرن بیستم، بحثی درباره مشروعیت اوقاف (خانوادگی و پول) در هند رخ داد و ما باید به کار بزرگی که سهروردی ارائه کرد، از این منظر توجه کنیم.

علتی که سهروردی مسیر سفر به استانبول را پیمود، در توضیح وی در تقدیرنامه اش این گونه آمده است: «از این فرصت استفاده می کنم تا تشکر قلبی خود را از آقای محمد علی سوکی و آقای زعیم زاده حسن فهمی، پسر بزرگ و دبیر اول سپهد قاضی احمد مختار پاشا، مأمور عالی رتبه پیشین عثمانی در مصر ابراز دارم که امکان استفاده از چندین کتابخانه مهم امپراتوری عثمانی را برایم فراهم آورده و فتوای مفتی اعظم مصر و مفتی اسکندریه را برایم گرفته است. امیدوارم در شماره های بعدی این نشریه ترجمه ای از مقاله مشهور مربوط به این موضوع را که به نسخه خطی آن در قسطنطنیه دست یافته ام، در سالگرد شیخ الاسلام، مفتی ابوالسعود، ارائه کنم؛ بنابراین، هدف سهروردی از دیدن سرزمین های عثمانی این بود که درباره بحث وقف پول در امپراتوری عثمانی و مشروعیت این تشکیلات تحقیق کند. نسخه خطی ابوالسعود که سهروردی به آن اشاره می کند، در اوج بحث وقف پول در امپراتوری عثمانی قرن شانزدهم است.^{۳۶} شایان توجه آن که او به این مقاله مشهور که کم و بیش مشروعیت اوقاف پول را در مناطق ترک زبان امپراتوری عثمانی، آناتولی و بالکان قطعی ساخت بسنده نکرد؛ بلکه برای به دست آوردن فتاوی از مصر هم اقدام کرد.

در آغاز قرن بیستم، توجه به راه حل های خلافت عثمانی و مصر به منظور رفع مسائل قانونی در هند، قاعده ای برای مسلمانان هند پدید آورد. برای وقف خانوادگی نیز همان روش به کار برده شد. در این جاز نتایج این وضعیت نباید نگران باشیم. خلافت عثمانی، سبب مشروعیت در جهان اسلام بود و هر موضوع مشروع که در این خلافت به وقوع می پیوست، باید در هند هم مشروع تلقی می شد؛ به ویژه آن که در دو منطقه، از قوانین مذهب حنفی پیروی می کرد. قدرت های امپریالیستی هم از توجه به این موقعیت غافل نبودند. هر تغییری که از سوی مناطق مسلمان نشین

امپراتوری بریتانیا و فرانسه درخواست می‌شد، پیش از همه به عثمانی‌ها تحمیل می‌گردید. وقتی آن‌ها تحت فشار تسلیم می‌شدند، بقیه مسلمانان مناطق مستعمره این قدرت‌ها هم از آن درخواست پیروی می‌کردند. چون بحث حقوقی عثمانی در قرن شانزدهم درباره اعتبار اوقاف پول به خوبی به وسیله ماندویل، مستند و خلاصه شده است، ما در این جا چکیده آن را از زبان سهروردی که آن را در آغاز قرن بیستم بیان کرده است، ذکر می‌کنیم. سهروردی در آغاز اثرش با عباراتی کوتاه هدف کلی کارش را این گونه بیان می‌کند:

«با بررسی دقیق این مقاله که حاصل تحقیق و کار قابل ملاحظه‌ای بوده است با بحث‌هایی از آثار نویسنده بزرگ آن، به جرأت می‌توان گفت که هیچ تردیدی در ذهن خواننده در زمینه اعتبار وقف اموال منقول اعم از پول، سهام شرکت‌ها، قرضه دولتی، کالا و غیره باقی نمی‌گذارد». سهروردی پس از مطالعه مهم‌ترین منابع مذهب حنفی^{۲۷} به این نتیجه رسید که دو عالم بزرگ، امام محمد و ابویوسف، درباره امکان وقف اموال منقول اختلاف نظر دارند. امام محمد چنین اوقافی را به طور مطلق مجاز می‌داند؛ خواه عرف مقتضی موجود باشد، خواه نباشد؛ در حالی که ابویوسف آن را به شرط وجودش در عرف مجاز می‌شمرد. در مجمع‌الانهر استدلال می‌شود که چون از امام زُفر درباره این اوقاف پرسیده شده است، آشکار می‌شود که نمونه‌ای از این اوقاف در آن زمان وجود داشت؛ در نتیجه از نظر دو عالم بزرگ مذکور، وقف اموال منقول جایز است.

افزون بر این، حمایت امام محمد از این که وقف اموال منقول نه تنها به شرط وجود عرف در یک زمان، بلکه بر شرط وجود عرف در زمان‌ها و یا در مناطق دیگر هم جایز است، تبعات مهمی داشته است. به سبب همین انعطاف‌پذیری، اسلام در قرن شانزدهم به دو نوع وقف پراهمیت دست یافت: وقف کشتی‌های حمل و نقل گندم^{۲۸} و اوقاف پول.

به طور خلاصه، این مطلب که اوقاف پول را به دلیل عدم تداوم سرمایه اصلی آن در قالب پول باید کنار گذاشت، از نظر عرف و سنت که به شدت بر دوام آن تأکید دارند، پذیرفتنی نیست. بی‌شک بر اساس این ملاحظات است که امروزه، اوقاف پول در منطقه جغرافیایی گسترده‌ای که پیش‌تر ذکر شد، قانونی می‌شود؛^{۲۹} بنابراین با وضع شدن قانون اوقاف پول لازم است به عملکردی که این اوقاف در تاریخ داشته است، بنگریم.

در جامعه عثمانی که بهداشت، آموزش و رفاه از اساس باهدایا و موقوفه‌ها تأمین می‌شد، اوقاف پول تأثیر بسیاری داشت. افزون بر این، پول‌های وقف شده باعث تزریق پول به اقتصاد شهرهایی می‌شد که وقف پول صورت می‌گرفت. اوقاف پول را نیکوکارانی تأسیس می‌کردند که مبلغ معینی از پول را به اهداف خیرخواهانه اختصاص می‌دادند. مبلغ بخشیده شده باید مال شخصی باشد و سرمایه وقف که به قرض گیرندگان «منتقل می‌شد»، پس از مدتی معین، اغلب یک سال، اصل آن، افزون بر مبلغ مشخصی مازاد به متولی وقف باز می‌گردید تا از اصل و «مازاد» دوباره در کارهای خیریه استفاده شود. در این جا واژه‌های مبهم «منتقل می‌شد» و «مازاد» با احتیاط به کار رفته است؛ زیرا سرمایه وقف به صورت اعتبار به قرض گیرندگان واگذار می‌شود و در

حقیقت، مازاد برگشتی چیزی جز بهره معمول نیست و اصل بحث هم در این جا است.^{۳۰} این بحث به قرن هشتم باز می‌گردد که امام زُفر در فتوایی اعلام کرد سرمایه اصلی وقف پول باید از طریق مضاربه^{۳۱} سرمایه‌گذاری، و بازگشت سرمایه‌گذاری به منظور اهداف اصلی وقف، مصرف شود. نویسنده در بررسی اوقاف پول بورس^{۳۲} در سال ۱۵۶۳ و نسبت‌های سود سرمایه‌گذاری آن طی سال‌های ۱۶۶۷-۱۸۰۵ متوجه شد که پول واگذار شده عثمانی از اوقاف پول به طور تقریبی با مقداری برگشت همراه بوده است. پرسش این جاست که آیا این مازاد را باید بهره معمول نامید یا چیز دیگر. در پاسخ، ابتدا باید ذکر کرد که عثمانی‌ها هرگز آن را بهره یا ربا نامیدند؛ بلکه آن را «استغلال» نام نهادند که تفسیر آن در ذیل آمده است:

«استغلال» در ظاهر برای فروش به کار می‌رفت. قرض گیرنده، بخشی از ملک را به فرض به صورت فروش، اما در واقع به شکل رهن، به قرض دهنده وامی گذاشت. اگر قرض گیرنده، بدهی خود را پس از یک سال می‌پرداخت، ملک مسترد می‌شد. در ضمن، قرض دهنده همان ملک را به قرض گیرنده اجاره می‌داد (به طوری که قرض گیرنده می‌توانست از منافع آن استفاده کند) و اجاره آن هم که اغلب ۱۰ درصد قرض بود، هر چند ناچیز بود، بهره به شمار می‌رفت. خلاصه آن که مادر این جا بهره‌ای داریم که حاصل گرفتن قرض است و بخشی از ملک به صورت وثیقه^{۳۳}.

هر چند این مقدمات که روشی دست و پاگیر برای وام‌بایره شمرده می‌شد، ممکن بود به راحتی رد شود، از نظر حقوق اسلامی به صورت ضمانت اجرایی اهمیت داشت. از نظر اقتصادی هم چون مبلغ معینی به سرمایه قرض داده شده افزوده می‌شد، آن مبلغ چیزی جز بهره نبود. برای تشخیص «استغلال» از نرخ معمول بهره، جایی که هر دو در اقتصاد کار یکسانی انجام می‌دهند با این تفاوت که استغلال با اجازه فقه اسلامی مجاز می‌شود می‌توان استغلال را «بهره اقتصادی» نامید. رد پیشنهاد امام زُفر و اصرار متولیان به واگذاری مجموعه اوقاف پول از طریق «بهره اقتصادی»، نتایج دیررسی داشت. ما اکنون این مسأله را بررسی می‌کنیم.

با توجه به این مسأله، از منظر جمع‌آوری سرمایه، این گونه می‌توان تصور کرد که مقاطعه‌کار می‌توانست از وقف مبلغی پول با میزان کمی «بهره اقتصادی» قرض کند. خلاصه این که وقف پول مانند بانک عمل می‌کند؛ در صورتی که بانک پس‌اندازهای تعداد بسیاری سپرده‌گذار را جمع کرده، آن را به مقاطعه‌کاران منتقل می‌سازد و بهره‌های آن را که با نرخ‌های گوناگون به کار زده است، پس‌انداز می‌کند (نرخ اعطای وام منهای نرخ دریافت وام تشکیل دهنده سود بانک است). وقف پول، سرمایه وقفی فردی را که در طول زندگی جمع‌آوری شده است، به صورت ابزار توزیع سرمایه میان قرض‌گیرندگان پخش می‌کند. افزون بر این، در حالی که بانک باید میزان مشخصی سود به سپرده‌گذاران (نرخ سود سپرده) بپردازد، وقف، چیزی برای سرمایه‌ای که به قرض‌گیرندگان انتقال داده نمی‌پردازد. برخلاف بانک، هزینه سرمایه برای وقف صفر است؛ به همین جهت، تمام سود برگشتی به وقف، سود وقف به شمار می‌رود که

صرف مقاصد اجتماعی و خیریه خواهد شد.

ممکن است تصور شود که چون وقف، از پس اندازهای یک فرد و نه پس اندازهای هزاران نفر استفاده می‌کند، سرمایه‌ای که به دست می‌آید به نسبت کم است؛ به همین سبب امکان سرمایه‌گذاری جمعی به صورت مجموعه اوقاف یعنی مشارکت در سرمایه‌گذاری مبتنی بر عرضه به نظر می‌رسد که اهمیت بسزایی دارد. شرکت در سرمایه‌گذاری به گونه‌ای که وام‌گیرنده از تعداد فراوانی اوقاف وام بگیرد، بسیار مهم است. آثار این آرا به طور کامل باید درک شود. آن چه آشکار نیست، این است که آیا اوقاف پول می‌تواند مانند بانک‌های غربی در جوامع اسلامی عمل کند. مشارکت در سرمایه‌گذاری مبتنی بر عرضه، بدین گونه عمل می‌کند که اصل سرمایه در اختیار مقاطعه‌کاران قرار گیرد و مشارکت در سرمایه‌گذاری مبتنی بر تقاضا بدین شکل عمل می‌کند که پیمان‌کار می‌تواند از تعداد فراوانی اوقاف قرض بگیرد تا سبب افزایش سرمایه‌ای شود که در اختیارش قرار گرفته است.

شواهدی در آرشیوهای عثمانی وجود دارد که نشان می‌دهد وقف‌ها در حقیقت از یک روند مشارکت سرمایه‌گذاری میان خود استفاده کرده‌اند. بدین شکل که صاحبان اوقاف کوچک‌تر قرار گذاشتند بخشی از برگشت سالیانه اوقافشان را کنار گذارند تا به اوقاف بزرگ‌تری تبدیل شود؛ از این رو موجودیت مشارکت در سرمایه‌گذاری مبتنی بر عرضه، تثبیت شد.^{۳۳} در بخش تقاضا هم مجموعاً نتایجی غیر مشخص پدید آمد. پیش از همه روشن شد که قرض‌گیرندگان، تاجران نبودند؛ بلکه مصرف‌کنندگان بودند و این که سرمایه عرضه شده به وسیله اوقاف پول در دست عده‌ای تاجر بزرگ قرار نگیرد؛ بلکه در سراسر جامعه پخش شد؛ نتیجه آن که تحقیقات نشان داده است اوقاف پول که در اصل به صورت مؤسسه‌ای اطمینان بخش و بی‌همتا در دولت عثمانی در راه جمع‌آوری سرمایه ظاهر شد، در واقع به صورت مؤسسه توزیع سرمایه عمل کرد. مشارکت سرمایه‌گذاری به یقین میان وقف‌کنندگان صورت گرفت؛ اما وام‌گیرندگان اغلب مصرف‌کنندگان کوچک بودند و سرمایه اوقاف در راه پشتیبانی معاملات بزرگ تجاری به کار گرفته نشد. اقلیت کوچکی از وام‌گیرندگان قصد داشتند پول قرض گرفته از اوقاف را با بازپرداخت بالاتر به صرافان استانبول قرض بدهند، از این رو بازار پولی دومی پدید آوردند.

در این جا چند پرسش را باید مطرح کرد: چرا اوقاف پول عثمانی، مانند بانک‌های غربی عمل نکرد و در روند سرمایه‌گذاری اقتصادی کشور شرکت نجست و به جای آن، در توزیع مجدد سرمایه که اقدام اولیه آن بود، محدود شد؟ به عبارت دیگر، چرا اوقاف پول به جای سرمایه‌گذاری در تجارت، به پرداختن پول به مصرف‌کنندگان بسنده کرد؟

پاسخ این پرسش‌ها در روش قرض دادن پول اوقاف بر اساس نظر امام زفر نهفته است که پیشنهاد داده بود سرمایه‌های اوقاف باید به صورت مشارکت «مضاربه» به قرض‌گیرندگان منتقل شود. بر اساس نظر امام زفر، بین اوقاف پول و قرض‌گیرنده، مشارکت «مضاربه» برقرار می‌شود به گونه‌ای که اوقاف پول، رب‌المال یا صاحب سرمایه، قرض‌گیرنده، عامل یا «مضارب» خواهد بود. افزون بر این، پیش‌تر بیان شد که متولیان وقف به فتوای امام زفر عمل نکردند. با این که

نویسنده از منبعی تاریخی که عدم مقبولیت فتوای امام زفر را نزد متولیان وقف توضیح دهد، بی‌خبر است می‌توان به این نتیجه رسید که آن‌ها از خطرهای مشارکت «مضاربه» نگران بودند. به هر حال، به سبب احتمال چنین خطرهایی به جای عملی ساختن «مضاربه» که کاملاً شرعی و سفارش شده بود، به «استغلال» مشکوک روی آوردند که نوعی چاره‌جویی قانونی بود که در بطن آن معامله ربوی جای داشت. زمانی که «استغلال» قانونی شد، ماهیتش با به‌کارگیری روش‌های خطرناک ربوی تغییر یافت. افزون بر این، چون «استغلال»، مستلزم ارائه وثیقه قابل توجهی به شکل یک خانه بود، قرض‌گیرنده محدودیت داشت. به عبارت دیگر، اگر قرض‌گیرنده، خانه‌اش را به صورت تضمین ارائه نمی‌کرد نمی‌توانست از صندوق وقف قرض بگیرد؛ پس تعجبی نداشت پیمان‌کارانی که با میزان نسبتاً کم پول اوقاف روبه‌رو بودند، قادر نباشند تقاضای غیرمستقیم جمع‌آوری سرمایه یعنی درخواست سرمایه از بخش عظیمی از اوقاف را داشته باشند. برای جمع‌آوری سرمایه آن‌ها باید به اندازه‌ای که در نظر داشتند، خانه‌هایی را وثیقه قرار می‌دادند. متولیان که از پذیرش فتوای امام زفر ابا داشتند، مقصران واقعی بودند. به سبب همین عدم پذیرش متولیان وقف بود که اوقاف وقف در حد توزیع سرمایه محدود شد و نتوانست در روند سرمایه‌گذاری یا جمع‌آوری سرمایه وارد شود؛ اما در حال حاضر، آن‌چه برای اقتصاددانان اسلامی باید اهمیت داشته باشد، این است که اوقاف پول به گونه‌ای احیا شود که نه تنها در توزیع ثروت، بلکه در تجمیع ثروت یا سرمایه‌گذاری هم مشارکت کند.

۷. طرح مجدد اوقاف پول

توسل متولیان وقف به «استغلال» دو نتیجه مهم داشت: از یک سو نقش اوقاف پول به حد فقط توزیع مجدد سرمایه کاهش یافت و از سوی دیگر، این اوقاف باعث به‌کارگیری روشی شد که بار با قرابت شدیدی داشت. خلاصه آن که اگر می‌خواهیم اوقاف پول را دوباره با طرحی جدید احیا کنیم، باید دقت داشته باشیم که روش مضاربه به کار گرفته، و از «استغلال» پرهیز شود. خواننده در این جا به شباهت اوقاف پول در گذشته و بانک‌های جدید اسلامی پی خواهد برد؛ به گونه‌ای که هر دو در اصل برای عمل از طریق مضاربه طرح‌ریزی شدند و هر دو، از چشم‌انداز اسلامی، از ابزارهای ترجیحی موجود کم‌تر استفاده می‌کنند. این نمی‌تواند فقط شباهت ساده باشد؛ بلکه ادله‌ای این شباهت را پدید آورد.

با این که مخالفت با خطر سرمایه‌گذاری اوقاف پول، هم از طرف متولیان اوقاف پول، و هم از طرف بانکداران جدید اسلامی صورت می‌گیرد، علل مخالفت در تاریخ و امروزه متفاوت است. متولیان در گذشته دقیقاً طبق اسناد وقف از سوی واقفان، موظف می‌شدند که سرمایه را چگونه به کار ببرند؛ در حالی که در بانکداری نو اسلامی، عملیات «مرابحه» از وظایف اصلی است. در جای دیگر نشان داده شده است با وجود انتقاداتی که به بانکداران جدید اسلامی می‌شود، اینان به دو دلیل اساسی به کار «مرابحه» تکیه می‌کنند: دلیل مدیریتی و دلیل مالی.^{۳۵} تا آن جا که به مدیریت مربوط می‌شود، بانک‌های اسلامی کنترل و هدایت تاجران را در عملیات «مضاربه» بسیار مشکل می‌دانند. کاملاً طبیعی است که «مضاربه» مستلزم برخورد‌های نزدیک و مستمر شخصی^{۳۶} بین مدیر بانک و

عامل کار است. افزون بر این، این فقط مسأله‌ای وجدانی نیست و به فعالیت‌های عامل محدود نمی‌شود. چنین تماس‌هایی در قالب تعاون و همکاری‌های دوجانبه، تشکیل دهنده ماهیت اصلی هر مشارکتی است. به هر حال ما به تجربه آموخته‌ایم که بانک‌های اسلامی بوروکراتیک و بزرگ اصلاً نمی‌توانند از عهده چنین کاری برآیند. تجربه همچنین به ما یاد داده است که شرکت‌های خاص، به نسبت کوچک که گاهی در امریکا مشاهده می‌شود، بهتر می‌توانند این همکاری را عملی سازند. از نظر مالی نیز بانک‌های اسلامی با ناهماهنگی سپرده‌های بانکی مواجهند بدین نحو که سپرده‌های آن‌ها اغلب کوتاه‌مدت است؛ در حالی که سرمایه‌گذاری برای «مضاربه» همواره به سپرده‌های بلندمدت بستگی دارد.^{۳۷} اگر امکان داشته باشد که اوقاف پول و بانک‌های اسلامی در هم ادغام شوند، چون سرمایه وقف که در بانک قرار می‌گیرد، برای مدت طولانی قابل استفاده است، مشکل عدم تعادل سرمایه برای سرمایه‌گذاری به طور قطع مرتفع می‌شود. در این جابه‌این مطلب که این ادغام چگونه می‌تواند به واقع عملی شود، می‌پردازیم.

اگر اوقاف پول و بانک‌های اسلامی در هم ادغام شوند، مشکل مالی مذکور حل خواهد شد و فقط مشکل مدیریتی باقی می‌ماند؛ در نتیجه، ادغام این مؤسسات باید به نحوی طراحی شود که مشکل مدیریتی هم حل شود. همچنین فراهم کردن پول وقف در مدت طولانی به صورت سرمایه برای بانک کافی نیست. باید زمینه سرمایه‌گذاری بر روی این پول را با مدیریت دقیق، مستمر و فوری همان‌گونه که برای «مضاربه» نیاز است، فراهم آورد. این مستلزم آن است که مدیریت سرمایه‌های «مضاربه» به طور کامل از مدیریت بانک جدا باشد. انجام کار به دو طریق امکان‌پذیر است: یا بانک‌های اسلامی، شرکت‌هایی را که در سرمایه‌گذاری مضاربه تبحر داشته و دارای مدیریت مستقل باشند پدید آورند یا شرکت‌های مضاربه‌ای کاملاً مستقلی از طرف اشخاص ثالث تأسیس شود تا بتوان سرمایه اوقاف پول را برای کار در اختیار آنان گذاشت؛ البته این دو طریق مانعة‌الجمع نیست.

حال ببینیم چگونه وقف پول می‌تواند با بانک اسلامی پیوند داشته باشد. تصور کنیم شخصی قصد دارد با اندوخته‌اش وقف پول تأسیس کند و هدفش این باشد که از این طریق به تاجرانی که می‌خواهند کار خود را تثبیت کنند، کمک مالی کند. اوقف با بانک اسلامی تماس می‌گیرد و آن‌ها را از هدفش آگاه می‌سازد؛ سپس پس‌انداز خود را در حساب مخصوصی واریز، و وقف وابسته به بانک تأسیس می‌کند. بنابراین، بانک، متولی (یا مضارب) این وقف خواهد بود. بانک هم سرمایه وقف را به شرکت‌های مختلف مضاربه‌ای منتقل می‌سازد. بانک می‌تواند تمام دارایی این شرکت‌ها را فراهم کند یا شرکت‌ها می‌توانند به طور کامل مستقل باشند. به هر حال، با انتقال سرمایه وقف به تعداد بسیاری از این شرکت‌ها بانک در واقع، اوراق بهادار ایجاد می‌کند. در این روند، بانک قراردادی «مضاربه» به نام وقف با هر یک از این شرکت‌های مضاربه‌ای منعقد می‌سازد؛ از این رو هر شرکت «مضاربه‌ای» در حقیقت «مضارب» این وقف می‌شود و از پیش می‌پذیرد که پول‌های اوقاف را فقط از طریق «مضاربه» یا «مشارکت» سرمایه‌گذاری می‌کند. این باعث می‌شود که مشکل مدیریتی پیش‌گفته حل شود. بانک اسلامی

در مدیریت سرمایه‌های وقف، بیش از این نیاز ندارد. بقیه کار به شرکت‌های مضاربه‌ای واگذار می‌شود. در واقع برای دقت بیش تراستلزام بانک اسلامی در مدیریت سرمایه‌های وقف در این مدل به ارزیابی متناوب کار شرکت‌های «مضاربه‌ای» محدود می‌شود. اگر بانک از کار این شرکت‌ها رضایت داشته باشد، سرمایه‌های وقف را می‌توان دائم به این شرکت‌های مضاربه‌ای سپرد. شرکت «مضاربه‌ای» البته باید ضمانت کند. برای حفاظت از سرمایه‌های اوقاف از شرکت مضاربه‌ای درخواست می‌شود که از طریق بیمه کامل سرمایه، همه سرمایه «مضاربه» را بیمه کند تا دارایی اصلی وقف حفظ شود.^{۳۸}

پس از این باید به ارتباط بین شرکت‌های مضاربه‌ای عامل بر روی سرمایه وقف و تجاری که سرمایه وقف به آن‌ها سپرده، می‌شود پرداخت. در این خصوص باید گفت که چون فقط از روش‌های مضاربه/مشارکت استفاده می‌شود، از دیدگاه اسلامی مشکلی وجود ندارد. از نظر ساختاری مادر این جایک توافق مضاربه‌ای سه جانبه را مطرح می‌کنیم: طرف اول، «مضارب» که همان بانک اسلامی است قرار دارد که وظیفه متولی وقف را عهده‌دار است. طرف دوم، شرکت‌های متنوع مضاربه‌ای هستند و طرف سوم هم تاجران و پیمانکارانند. در این ساختار می‌توان دو سری گوناگون اوراق بهادار تهیه کرد و خطرها را بدین وسیله کاهش داد. یک سری از اوراق بهادار را بانک تهیه می‌کند و به شرکت‌های مضاربه‌ای مربوط می‌شود و سری دوم اوراق را هر یک از این شرکت‌ها تهیه می‌کند و به تاجران و پیمانکاران مربوط می‌شود.

کاستن خطرهای احتمالی از طریق برقراری اوراق بهادار برای دوام سرمایه‌های وقف لازم است؛ اما کافی نیست. اقدام تکمیلی سرمایه‌گذاری مجدد با سودهای برگشتی سرمایه وقف خواهد بود. پژوهش‌های انجام‌یافته بر روی اقتصاد امپراتوری عثمانی نشان داده است که بیش از یک چهارم اوقاف پول تأسیس یافته در شهر بوسرا، بیش از یک قرن باقی می‌ماند که ۸۱ درصد اوقاف باقیمانده نتیجه انعطاف‌پذیری این اوقاف در برابر افزایش سرمایه بود که به صورت سرمایه‌گذاری مجدد بر روی سودهای سرمایه یا دریافت سرمایه‌های جدید از طریق اهدا یا اوقاف پول کوچک دیگر (تحت عنوان الگوی موسوم به Ramen stiftung مذکور) اخذ می‌شد؛^{۳۹} از این رو پیشنهاد می‌شود که در اوقاف جدید پول برای بقای وقف، سود سهام سرمایه‌های وقف را به اصل سرمایه‌ها بیفزایند. با این روش، سرمایه وقف پول نه تنها استمران، بلکه رشد هم خواهد داشت.

تأسیس وقف پول در چارچوب بانک اسلامی و شرکت‌های «مضاربه‌ای» فقط یک شکل از تشکیل وقف پول را نشان می‌دهد. وقف پول جدید به طور مستقیم از طریق وقف سهام شرکت سهامی عام نیز امکان‌پذیر است بدین صورت که فرد می‌تواند قسمتی از سهام خود را برای وقف پول واگذارد. او می‌تواند شرط کند که برگشت حاصل از این سهام، صرف هدف خیرخواهانه ویژه‌ای شود. با توجه به مطالب مذکور از او خواسته می‌شود که شرط کند بخش معینی از برگشت سود سهامش به اصل وقف بازگردد و با خرید تعدادی سهام، سرمایه وقفش افزایش یابد.

آن چه پیش تر مطرح شد، پیشنهاد جدید نیست. قبلاً هم افراد خیری بوده اند که درباره امکانات اوقاف پول اندیشیده و همان طور که تشریح شد، به تأسیس آن اقدام کرده اند. بنیاد «وهبی کوچ» در ترکیه شاید بهترین نمونه چنین وقفی را تأسیس کرد. مطلب برگزیده ذیل از مرحوم وهبی کوچ، برگرفته از سند واگذاری بنیادش، تشریح می کند که چرا تصمیم گرفته بود بنیادش را تحت عنوان وقف پول تشکیل دهد:

«سپاس خداوند توانا را که لطفش را شامل حال من کرد و به من توانایی داد تا در طول حیاتم افتخار انجام کارهای خیریه نصیب شود و اموالی را به من عطا فرمود که پس از مرگم در این امور مستدام باشد. معتقدم که ملت ترک تا بقی الدهر باقی هستند و... و قصد دارم که این بنیاد را تأسیس کنم تا همیشگی باشد. من این وقف را بر اساس ماهیت تجاری آن تأسیس کرده ام تا بتواند خود را با نیازهای زمان خودش تطبیق دهد و تحت تأثیر اوضاع اقتصادی و حوادث طبیعی قرار نگیرد. من تصمیم گرفته ام این وقف را به همراه سودهای دارایی کوچ تأسیس کنم. این باعث می شود تا کارهای مهم بسیاری در بخش تجارت و صنعت صورت پذیرد و موجودی از بین نرود. بنیادی را که به لطف خدا تأسیس کردم اوگ به وارثانم و نسل های بعدی آن ها و سپس به همکارانم و بعد به دولت جمهوری ترکیه واگذار می کنم. از همه وارثانم، آشنایان نزدیکم، همکارانم، همشهریانم که درگیر کار این بنیاد می شوند و تمام کارکنانی که در اداره آن نقش دارند، می خواهم که این وقف را میراثی برای ملت ترک بشمارند و از آن به خوبی حفاظت کرده، در احیای آن بکوشند تا اهداف اصلی آن تأمین شود. من از مسؤلان دولت و در صورت لزوم، عوامل آن ها و نیز دادگاه ها و مراکز قضایی می خواهم که هرگز در تصمیم گیری ها و رفتارها، وجدان خود را زیر پا نگذاشته، طوری عمل نکنند که به این بنیاد زیان وارد آید و از اهدافش دور شود. ایجاد این بنیاد، ثمره عمری تلاش و آرزوی قلبی این جانب بود. من از خداوند می خواهم که آن را آن طور که شایسته است، محافظت و ثمربخش کند»^۴.

نوشتار مرحوم وهبی کوچ نکات مهمی را نشان می دهد که در این جا به آن ها اشاره می کنیم. اوگ آن که احساس مذهبی عمیقی در مطالب وی نهفته است و او از خداوند که به او توفیق انجام امور خیریه دائم بخشید، سپاسگزار است. به عبارت دیگر، وی در آغاز نوشتارش توجه به اهمیت صدقه جاریه و سنت نبوی را یاد آور شد؛ سپس علت تصمیمش به تأسیس وقف پول، به جای وقف ملک را توضیح داد. او در استدلالش اظهار داشت که اوقاف ملک در برابر تشکیلات اقتصادی و حوادث طبیعی تاب مقاومت ندارد؛ به همین جهت، چون سهام دارایی او محصول دارایی های تجاری و صنعتی بزرگی بود، کم تر با ضرر همراه می شد. در این جا لازم است به عملکردهای وقف به دقت توجه کنیم. گویا وهبی کوچ، از ناتوانی اوقاف پول در برابر تشکیلات اقتصادی، به طور کامل آگاه بوده است. این ضعف را ثریا فاروقی نیز بر اساس گزارش های وقف محمود پاشا در قرن هفدهم اثبات کرده است. فاروقی نشان داده که چگونه رکود می تواند باعث از بین رفتن وقف شود و استدلال کرده است که به سبب اوضاع راكد

تجارت، بیش از نیمی از درآمد آنکارا که به صورت سگه های طلا محاسبه شده بود، از دست رفت و بازار لباس در قونیه رو به رکود نهاد.^{۳۱}

با این که نمی دانیم وقف وهبی کوچ چگونه توانست در چنین وضعیتی مشابهی موفق عمل کند، گویا بتوان استدلال کرد که قدرت ورود یک مجموعه به بازارهای بین المللی بهتر می تواند به کمک تنوع بازارها بارکود مقابله کند. در این مجموعه، بیش از ۱۰۰ شرکت با ۴۰,۰۰۰ کارمند وجود داشت و شمار سهام واگذار شده از دارایی وهبی کوچ به این بنیاد، بالغ بر ۱۰,۰۰۰ بود.^{۳۲} با این وصف، مرحوم وهبی کوچ تاجر بزرگی بود که با خطرهای این کار مقابله کرد.

در پایان سال ۱۹۹۳ میلادی ارزش اسمی دارایی های این بنیاد به ۱۲۰ میلیون دلار رسید که البته ارزش آن در بازار تقریباً ۲۷ میلیون دلار بود. همان گونه که گفته شد، این وقف در درجه اول به نسل های وارثان وهبی کوچ به صورت وقف دائم و پس از آن ها به همکاران شغلی آن مرحوم و سپس به دولت ترکیه واگذار شد. هرگاه وارثان این مرحوم ثابت کنند که توانایی اداره این وقف را ندارند، همکارانی که شرکت های مرحوم کوچ را می گردانند، با قابلیت لازم دخالت کرده، مدیریت این وقف را به دست می گیرند. اشاره به آن ها در سند وقف به یقین آن ها را توانا می سازد که در امور وقف نقشی داشته باشند. درباره دخالت دولت گفته می شود: وهبی کوچ، شاهدهی عینی برای تشکیلات گسترده اوقاف ترکیه در سال های بین ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ بوده است. شاید وهبی کوچ با واگذاری وقفش به دولت ترکیه در نهایت الزامی اخلاقی را به این دولت تحمیل کرد. در نهایت هم او از خداوند طلبید که از این وقف محافظت کند.

بعد اطلاعات مهمی درباره سرمایه گذاری بر روی سهام این بنیاد بر اساس سند این وقف به دست آوردیم. ماده ۷ سند بنیاد وهبی کوچ تأکید دارد بر این که تمام پول مازاد این بنیاد که سالانه به این وقف تعلق می گیرد، به تضمین های دولتی تبدیل، و به صورت سرمایه ویژه نگهداری شود. از این تضمین هازمانی که سرمایه کوچ به تقویت مالی نیاز داشته باشد، استفاده خواهد شد. اگر این نکته عملی شود، بنیاد، با این اقدام، مشارکت نسبی خود را در تشکیلات اقتصادی کشور حفظ خواهد کرد. اگر سرمایه ویژه برای حفظ مشارکت این بنیاد در اقتصاد کشور کافی نبود، آن گاه هیأت امنای وقف (متولیان) می توانند ۲۰ درصد درآمد اولیه این وقف را بدین منظور اختصاص دهند. اگر این روند در تقویت سرمایه تأثیری نگذارد، پول مازاد در سرمایه ویژه را می توان به جای شرکت های سرمایه گذاری کوچ در بررسی سهام و اوراق بهادار سرمایه گذاری کرد.

ماده ۹ سند اذعان دارد که دست کم ۸۰ درصد از کل درآمد این وقف به خدمات اجتماعی و فرهنگی واگذار می شود. حداکثر ۲۰ درصد از درآمد نیز به هزینه های اجرایی، پول فوق العاده و سرمایه گذاری برای خرید اموال برای این وقف اختصاص می یابد. برای درک این وضعیت باید به تاریخ وقف توجه کرد؛ زیرا مشهور است که درآمدهای وقف به منظور امور خیریه اغلب به وسیله متولیان آن غصب شد؛ در نتیجه، در حالی که نسبت بخشش ها به کل هزینه به مرور کاهش یافته است، نسبت حقوق به کل هزینه یا ثابت مانده یا با افزایش حقوق اضافه شده است.^{۳۳}

گویا وهبی کوچ با توجه به ذکاوت شدیدش در کار، از این گرایش های تاریخی آگاه بوده

است و می‌توانست آن‌ها را پیش‌بینی کند. به هر صورت، او با سفارش به ثابت ماندن نسبت بخشش‌ها به هزینه اجرایی، تصور کرد که چنین مشکلاتی به وقوع نپیوندد. در نهایت، بر اساس اطلاعات رسیده، بنیاد وهبی کوچ در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۶۸ در هیأت وزیران از دادن مالیات معاف شده است.

بنیاد وهبی کوچ همان‌گونه که تشریح شد، نمونه تشکیلات بزرگ تجاری است که وقف خودش را تشکیل داده است؛ اما بر عکس آن هم ممکن است؛ به این گونه که وقف شرکت‌های خودش را بنا کند. در این صورت، وقف یا اوقاف، با منابع خود، شرکت یا شرکت‌هایی را ایجاد می‌کنند. افزون بر این، آن‌ها در سودهای تولید شده به وسیله این شرکت یا شرکت‌ها مطابق با نقششان در سرمایه‌گذاری سهمیند.

وقف دیانت در ترکیه، نمونه وقفی است که تعداد فراوانی شرکت را پدید آورده است یا شرکت‌هایی را که تاکنون تأسیس شده‌اند پشتیبانی مالی می‌کند.^{۴۴} در حالی که بنیاد کوچ، بهترین نمونه مجتمع بزرگ است که وقف خودش را پدید می‌آورد. وهبی کوچ به آموزش هم می‌پردازد و یک دبیرستان بسیار بزرگ و یک دانشگاه مهم را پشتیبانی مالی کرده است؛ در حالی که وقف دیانت، مانند تابونگ حاجی در مالزی به سازماندهی زیارت سالانه خانه‌های پر دزد و ۹۰,۰۰۰ کارمند دینی در ۷۰۰ محل دارد.

بر اهمیت این پیشرفت‌ها به طور کافی تأکید نمی‌شود به علت این که برای نخستین بار در تاریخ طولانی اوقاف، ما سازمانی داریم که با درآمد خود از فعالیت شرکت‌ها بهره‌مند می‌شود. خاطر نشان می‌سازد که با وجود اجازه امام زفر مبنی بر سرمایه‌گذاری اوقاف پول از طریق «مضاربه»، اوقاف پول عثمانی موجودی‌اش را به صورت اعطای وام‌های سودآور تحت عنوان «استغلال» سرمایه‌گذاری کرد؛ در نتیجه، درآمد آن‌ها به «بهره اقتصادی» محدود می‌شد که همیشه پایین‌تر از نرخ سود بازار محاسبه می‌گردید. به طور خلاصه، ترس از زیان، اوقاف پول عثمانی را به رکود کشاند. با این حال، در جمهوری ترکیه پس از ۱۹۶۷ اوقاف دریافت‌کننده مستقیم سودهای مشخص شرکت‌ها شد؛ از این رو جای شگفتی است که نه اوقاف امپراتوری عثمانی، بلکه ترکیه جمهوری ثابت قدم در لائیسزم، مدت‌ها قبل، سفارش امام زفر را عملی ساخت.^{۴۵}

به هر حال ما می‌توانیم این ارتباطات وقف - شرکت را به عنوان تولد دوباره اوقاف پول تفسیر کنیم؛ به همین جهت، اوقاف پول عثمانی که در سال ۱۹۵۴ با ادغام در بانک اوقاف از بین رفت، مانند ففونس (Phoeni) در ساختار تشکیلاتی به طور کامل متفاوت و در شکلی بسیار پرتحرک، احیا شد. در این جا پیشنهاد می‌شود که این واپسین پیشرفت‌های صورت پذیرفته در ترکیه باید به دقت از سوی کسانی که به طرح‌ریزی مجدد اوقاف پول علاقه‌مندند، مورد توجه قرار گیرد. هم اکنون می‌توان به رابطه پیچیده مذکور میان دولت و اوقاف برگشت. از طرفی حاکمان تقریباً تمام کشورهای اسلامی به تأسیس بزرگ‌ترین اوقاف اقدام کرده‌اند، و از طرف دیگر، بسیاری از آن‌ها سرسختانه با این تشکیلات مخالفند. با این که ادله این مخالفت بر حسب زمان

و مکان متفاوت به نظر می‌رسد، نفس مخالفت همیشه بوده است؛ بنابراین، نکته کاملاً قابل توجه این که این تشکیلات، برای بقا اداره شده است.

این مخالفت دولت با اوقاف، جهتگیری جدید استعمار تلقی شده است. هم قدرت استعماری بریتانیا و هم فرانسه با اوقاف مخالف بودند. این مخالفت، بر اصول مشابهی استوار بود و به یک شکل اجرایی شد.^{۴۶} این مخالفت استعماری که بنا بر جلوگیری آشکار از فعالیت اوقاف بود، از سوی نوگرایان که استعمار آنان را متقاعد می‌کرد مورد حمایت قرار می‌گرفت. ترکیب این دو نیرو خطرناک بود و به سبب نوگرایان، این مخالفت ادامه یافت؛ حتی بعد از دوره استعمار هم زیاد شد.

ما با این که از قدرت‌های استعماری و حامیان نوگرای آن‌ها به سبب اهدافشان دراز بین بردن تشکیلات قدیم اوقاف انتقاد می‌کنیم و معتقدیم که اوقاف با ارائه شاهکارهای بزرگ معماری، پشتیبانی مالی در بخش آموزش، بهداشت، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و انجام خدمات ارزان قیمت شهری به دولت، کارهای بسیاری در جهان اسلام انجام داده است، باید در خصوص بخش کشاورزی کمی تأمل کنیم؛ زیرا مخالفت‌های بی‌درپی استعمار و نوگرایان با فعالیت اوقاف، به تغییر شکل کشاورزی با حاکمیت اوقاف و تقسیم محصول به کشاورزی با مالکیت شخصی انجامید؛ نتیجه آن که چون مالکیت زمین به وسیله خانواده کوچ محصول بیش‌تری به بار می‌آورد تا این که محصول از طریق کشاورزی مشترک بر روی زمین‌های اوقافی به دست آید، مجموع تولید در کشورهای اسلامی در بخش کشاورزی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است، به همین دلیل در این مقاله از اساس بر اوقاف پول تکیه کردیم. از نظر ما، اصلاح وقف در جهان اسلام نباید به تغییر شکل مالکیت شخصی و خانوادگی زمین‌های کشاورزی به مالکیت اوقاف بر آن‌ها بینجامد؛ اما در عوض ما بر املاک غیر منقول شهری و اوقاف پول که قابلیت واقعی آن هم وجود داشته باشد، تکیه کردیم.

در پایان باید اشاره کرد که تأسیس کامل حقوق مالکیت در جهان اسلامی ما بعد استعمار بدین معناست که بشر دوستی اسلامی تغییر شکل خواهد داد. تا زمانی که مسلمانان، اموالشان را به سبب فرار از توقیف ببخشند و ما این را مشاهده کرده‌ایم، انگیزه خیرخواهی در امر بخشش پنهان می‌ماند؛ به همین جهت آن چه در جهان اسلام در آینده گسترش خواهد یافت، صدقه خالص و ساده دینی است؛ اما در این میان چیزهای بسیاری از دست خواهد رفت و اختلاف سطح نیکوکاری جهان اسلام و غرب گسترش خواهد یافت؛ به طور مثال در حالی که ارزش بزرگ‌ترین وقف ترکیه تقریباً ۳۰۰ میلیون دلار در بازار، تقویم می‌شود، در ایالات متحده آمریکا اخیراً گزارشی از یک بخشش یک بلیون دلاری منتشر شده است.^{۴۷}

19. Hans Liermann (1963), *Handbuch des Stiftun grechts, I. Band, Geschichte des Stiftungsrechts*, Tübingen: J. C. B. Mohr, pp. 160-162.

۲۰. برای اوقاف پول در بورسا، در آناتولی و در بالکان، ر.ک:

Çizakça (1995), "Cash Awqaf of Bursa, 1555-1823", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 38, part 3, pp. 313-355.

Avdo sucesk (1966), *Les Credits de vakoufs a sarajevo*, sarajevo: Orijentalni Institut u sarajevu.

21. Mandaville Jon (1979), "Usurious piety: The cash Awqaf controversy in the ottoman Empaire", *International Journal of Middle Eastern Studies*, Vol, 10, No.3, pp. 289-308.

۲۲. برای آگاهی از اوقاف پول در سوریه در قرون شانزدهم و هفدهم، ر.ک:

Bruce Masters (1988), *The Origins of Western Economic Dominance in the Middle East*, New York: New York University press, p. 162.

برای آگاهی از اوقاف پول در مصر جدید، به دو فتوای مفتی مصر و اسکندریه در سال ۱۹۰۸، و نیز به کتاب‌های ذیل مراجعه کنید:

G. Bear (1969), *Studies in the Social History of Modern Eygypt*, Chicago: UCP., p. 80.

G. Bear (1962), *A History of Land Ownership in Modern Eygypt*, London: Oxford University press., p. 153

Syed Ameer (1985), *Mohammadan Law*, New Delhi: (IV th Edition), p. 249.

برای آگاهی از اوقاف پول در سودان، ر.ک:

Sumaiya sid Ahmed Abdel Hadi (1997), *The Awqaf Institution in Sudan*, Kuala Lumpur ISTAC, Un published Research paper, pp. 10, 20.

برای آگاهی از اوقاف غیرمستقیم پول در عدن، ر.ک:

J. N. D. Anderson (1978), *Islamic Law in African*, London: Frank cass, (secand Edition), p. 37, footnote No. 5.

23. Yegar Moshe (1979), *Islam and Islamic Institution in British Malaya*, Jerusalem al-Quds^ The Magnes press., pp. 207, 209.

24. Majlis Ugama Islam singapore (1995), *Annual Report*, pp. 54-55.

25. A. Al-Ma'mun suhrawardi: (1911), "The Awqaf of Movables", *Journal of the Royal Asiatic of Bengal*, Vol. 7, No. 6, (New Series), pp. 323-430.

26. Mandaville (1979), "Usurious Piety: The cash Awqaf Controversy in the Ottoman Empire-", *International Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 10, No. 3, pp. 289-308.

۲۷. اسعاف برهان‌الدین (۹۳۰-۱۴۹۹)، فتاوی قاضی خان، السرخسی، درالمنتقی، مجمع الأنهر،

Manhat al-khalig, Bahr al-Raiq.

۲۸. وقف یک کشتی که احتمالاً از طرف مملوک‌ها واگذار شده بود، عادتاً در اختیار عثمانی‌ها قرار گرفته و آن‌ها به وسیله آن مواد غذایی را از مصر به شهرهای مقدس می‌فرستادند. در حدود ۲۰۰ کشتی حمل‌گندم در سوئز قرار داشت. برای آگاهی بیش‌تر، ر.ک:

-Stanford Shaw (1962), *The Financial and Administrative Organization and Development of Ottoman Eyypt*, Princeton: Princeton University Press, p. 137.

-Colin Heywood, "The Red Sea Trade and Ottoman Awqaf Support for the Population of Mecca and Medina in the later Seventeenth Century" in A. Temimi (ed.), *la vie Sociale dans le Provinces arabes a l' oque Ottoman*, Zaghoun: CEROMDI, t3, pp. 165-184.

البته نظر هانس جورج میچر این بود که این کشتی‌ها وقفی نبودند؛ بلکه به وسیله اوقاف خریداری شده بود.

۲۹. از مذاهب بزرگ دیگر، امام شافعی مانند ابویوسف، وقف طبق سنت با وقف منقول موافق بود. امام مالک هم همان‌گونه که در مدونه آمده است، آن را جایز می‌داند. موضع مذهب چنبلی هم با مذهب شافعی شباهت دارد. سرانجام موضع شیعه هم با توجه به فتوای شیخ عبدالله مازندرانی مثبت است.

این موافقت از آن جهت اهمیت دارد که اجازه می‌دهد اوقاف پول به همراه سهام شرکت‌ها تأسیس شود.

برای آگاهی بیش‌تر به کتاب جدید نگارنده مراجعه شود.

30. E. Mandaville Jon., (1979), "Usurious Piety: The Cash Awqaf Controversy in the Ottoman Empire", *International Journal of Eastern Studies*, Vol. 10, No. 3, pp. 289-309.
- Murat Çizakça (1993), *Risk Sermayesi, Özel Finans Kurumları, ve Para Vakıfları*, Istanbul: ISAV.
۳۱. به طور خلاصه، مضاربه، شراکت در سرمایه و تجارت بود که همه سرمایه و ضرر مادی متوجه اصل سرمایه، و سود طبق یک قرارداد دو جانبه تقسیم می شد. ر.ک:
- A. Udovitch (1970), *Partner Ship and Profit in Medieval Islam*, Princeton: Princeton University Press.
- Murat Çizakça (1996), *A Comparative Evaluation of Business Partnership, Islamic World and the West, With Specific Reference to the Ottoman Archives*, Leiden: E. J. Brill.
32. Murat Çizakça (1993), *Risk Sermayesi, Özel Finans Kurumları, ve Para Vakıfları*, Istanbul: ISAV.
33. Haim Gerber (1988), *Economy and Society in an Ottoman City : Bursan (1600-1700)*, Jerusalem: The Hebrew University, p. 128.
34. Çizakça (1995), "Cash Awqaf of Bursa, 1555-1823", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 38, Part 3.
- بنابراین، مشارکت در سرمایه گذاری مبتنی بر عرضه که در آلمان قرن چهاردهم مشاهده شد، در جهان اسلام هم امکان یافت. هر چند نمی دانیم که منشأ این اندیشه آلمان بود یا جهان اسلام.
35. Çizakça (1996), "Islamic Economic Institutions and the Newly Emerging Muslim States", *Islamic Economic Studies*, Vol. 3, No. 2, p. 84.
۳۶. در تاریخ برخورد نزدیک، شخصی و مستمر بین مدیر و عامل در شراکت مضاربه به سبب مشکلات دوری راه و ارتباطات نمی توانست وجود داشته باشد، اما این مسئله با کوچک بودن جامعه تجاری و کنترل های غیررسمی که به وسیله این جامعه روی عامل اعمال می شود تقریباً حل. ر.ک:
- Anver Greit, "Cultural Beliefs and the Organization of society: A Historical and Theoretical Reflection on Collectivist and Individualist societies", *Journal of Political Economy*, 102 (5), pp. 912-950.
۳۷. این یک قاعده کلی نیست. برخی قراردادهای مضاربه به ویژه در امور تجاری می تواند ماهیت کوتاه مدت داشته باشد؛ اما مضاربه هایی که مستلزم سرمایه گذاری با فن آوری بالا در زمینه صنعت است در مدت طولانی نتیجه می دهد. برای آگاهی از نمونه های کوتاه و بلند مدت مضاربه ها، ر.ک:
- Çizakça, (1996), *A Comparative Evolution of Business Partnerships, Islamic world and the West, With Specific Reference to the Ottoman Archives*, Leiden: E. J. Brill
- Çizakça (1996), "Islamic Economic Institutions and the Newly Emerging Muslim states", *Islamic Economic studies*, Vol. 3, No.2.
۳۸. من این نکته را و امدمدار داور ناشناس نشریه *Islamic Economic Studies* هستم.
39. Çizakça "Cash Waqfs of Bursa, 1555-1823", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 38, part 3.
40. The Vehbi koc Foundation (1995), *Twenty - five Years of Philanthropy*, 1969-1994, Istanbul: The Vehbi Koc Foundation, p. 1.
41. Suraiya Faroghi (1995), "A Great Foundations in Difficulties ...", *Making a Living in Ottoman Lands, 1480-1820*, Istanbul: ISIS, Analecta Isisiana XVIII., p. 281-284.
۴۲. سند رسمی وقف وهبی کوچ، ماده ۴، ص ۵.
43. Suraiya Faroghi (1995), "A Great Foundation in Difficulties ...", *Making a Living in Ottoman Lands, 1480-1820*, Istanbul: ISIS, Analecta Isisiana XVIII. p. 285.
۴۴. طبق گزارش فعالیت های وقف دیانت ترکیه در سال ۱۹۹۷ میلادی، صفحه ۱۰۹ تا ۱۱۹، این وقف، شش شرکت گوناگون را تأسیس کرده و مالک ۸۰ تا ۹۹ درصد سهام خالص آن ها بود. همچنین این وقف سهام هایی از بانک های اسلامی (مؤسسه اوقاف کویت - ترک و مؤسسه مالی اخلاص) و شرکت های بیمه را خرید. این سهام ها ۱۰ تا ۱۰۰ درصد تمام ارزش خالص سرمایه این شرکت ها را تشکیل می دادند.
۴۵. برای شناخت هر چه بیشتر امور مالی سهام و مضاربه در تاریخ، ر.ک:
- Çizakça (1993), *Risk Sermayesi, Özel Finans Kurumları, ve Para Vakıfları*, Istanbul: ISAV.
46. David S. Poers, (1989), "Orientalism, Colonialism, and Legal History: The Attack on Muslim Family endowments in Algeria and India", *Comparative Studies in Society and History*, pp. 535-571.
47. *Newsweek*, September 29, 1997, pp. 13-21.